

گراکوس و اهمیت روایت

برای انس الشریف و روزنامه هم‌میهن

امین بزرگیان
جامعه‌شناس

کافکا داستان کوتاه بسیار مشهوری تحت عنوان «گراکوس شکارچی» دارد. این داستان کوتاه روایتی است از زندگی کسی به نام گراکوس که در گذشته شکارچی بوده و امروز با قایقی اسرارآمیز وارد بندری می‌شود که داستان کافکا حول وحوش آن روایت می‌شود. گراکوس مدتی پیش در کوهستان‌ها مرده اما به دلیل خطایی نامعلوم، بین مرگ و زندگی سرگردان باقی مانده است. گراکوس از بندری به بندری دیگر در رفت‌وآمد است؛ نه می‌تواند کاملاً بمیرد و به جهان دیگر برود و نه می‌تواند به طور کامل زندگی کند. در واقع، کافکا از طریق این داستان شرّحی می‌دهد از چیزی که ما تحت عنوان «وضعیت تعلیق» می‌شناسیم. به‌نظر می‌رسد که این وضعیت، مهم‌ترین تجربه‌ی امروز ماست؛ وضعیتی که در آن هراسی سهمگین از آینده به روشنی لمس می‌شود؛ شرایطی که راه خروجی از آن -چه در ساخت فردی و چه در ساخت جمعی و حتی بین‌المللی- وجود ندارد. از وضعیتی سخنی می‌گوییم که در آن فرد و جامعه خودش را همواره در موقعیتی می‌یابد که می‌توانیم آن را وضعیت آوازی، یک مسافر همیشگی بودن، و در مجموع تعلیق بدانیم. زیست روز‌مره در ایران ما را با جامعه‌ای روبه‌رو می‌کند که این احساس تعلیق میان مرده بودن و زنده بودن، سرگردانی، انتظار برای وقوع یک رویداد نامعلوم و در آستانه بودن همیشگی را می‌توان به وضوح در آن مشاهده کرد. آنچه در غزه یا بهتر بگوییم در نسل کشی مشاهده کردیم، شکل ناب وضعیت تعلیق بود؛ افرادی که در جایی بین مرگ و زندگی گیر افتاده و مرگ را انتظار می‌کشیدند. این وضعیت چیزی مازاد بر موقعیت سرگردانی وجودی است که در تعبیر اگزیستانسیالیست‌ها از حیات مدرن وجود دارد. اگر انسان به ماهو انسان، بین معناداری زندگی و بی معنایی آن به عنوان یکی از مهم‌ترین خصلت‌های انسان مدرن اسیر است، در اینجا ما با موقعیتی فراسوی این تعریف‌روبرو هستیم. برای توضیح این وضعیت بهتر است اجزای داستان کافکا را کمی مورد بررسی قرار دهیم. در داستان با فردی روبه‌رو هستیم به نام گراکوس که شکارچی است، یعنی کارش این است که «گیر بیندازد» و شکار کند، اما می‌بینیم که خودش شکار شده است. استعاره بسیار مهم و درخشان کافکا در همین جاست. او از سوزهای صحبت می‌کند که از او انتظار می‌رود که شکار کند، اما امروز خودش شکار شده است. او خود را در مقام یک شکارشده، یک گرفتار می‌فهمد. از حیث اجتماعی و تفسیر جامعه‌شناسانه، کافکا از سوزه‌هایی سخن می‌گوید که این توان و پتانسیل را دارند یا داشته‌اند که وضعیت را تعیین کرده یا بسازند، تاریخ را گیر بیندازند، اما امروز در شرایطی قرار گرفته‌اند که خودشان در وضعیت تاریخی‌شان گیر افتاده‌اند.

نکته دوم اینکه، گراکوس شکارچی سوار بر قایقی از بندری به بندر دیگر سرگردان است. قایق در اسطوره‌های یونانی-رومی نمادی است از عبور؛ از جهانی به جهان دیگر، از وضعیتی به وضعیت دیگر؛ اما در داستان کافکا خود این قایق تبدیل به وسیله‌ای برای سرگردانی شده است. قایق در واقع وسیله‌ای می‌شود برای نرسیدن. در اینجا ما شاهد ابزاری هستیم که از آن انتظار می‌رود که شرایط را تغییر دهد اما خودتبدیل به ابزار سرگردانی شده است. قایق را می‌توانیم استعاره‌ای از علم و دانش، اطلاعات، رسانه‌ها، قوانین، و تمام نهادهایی دانست که انتظار می‌رفت ما را از وضعیتی به وضعیت دیگر برده و شرایطمان

نگاه تحلیلگر /۱

دوق‌زدگی برای شهردار آمریکایی



صادق زنگنه

نویسنده و پژوهشگر سیاسی

پیروزی «زهران ممدانی» در انتخابات شهرداری نیویورک، آن‌هم بر خلاف خواست دونالد ترامپ و جریان جمهوریخواه، رویدادی قابل توجه در صحنه سیاست داخلی آمریکاست. اما بازتاب این رویداد در ایران، داستانی دیگر دارد؛ داستانی که بیش از آنکه به واقعیت‌های سیاسی جهان امروز مرتبط باشد، از یک خطای راهبردی ریشه‌دار در بخشی از جریان سیاسی کشور پرده برمی‌دارد. در حالی که این پیروزی در آمریکا نماد قدرت گرفتن بخشی از جریان چپ و مترقی محسوب می‌شود، در ایران گروهی از اصولگرایان به شکلی غریب به هلهله و شادمانی پرداختند. علت این خوشحالی، نه یک تحلیل دقیق سیاسی، بلکه یک برداشت سطحی و ایدئولوژیک است. آن‌ها ممدانی را به دلیل تبار و شعارهایش، یک «مسلمان شیعه» و نیرویی خودی در قلب «دشمن» می‌دانند. اینجاست که عمق یک خطای استراتژیک نمایان می‌شود: معیار تحلیل و ارتباط با جهان همچنان «ایدئولوژی» است، نه «سیاست» و «خردورزی». نمونه بارز این نگاه را می‌توان در تئویت فواد ایزدی، تحلیلگر اصولگرا که سال‌ها در آمریکا زندگی کرده، مشاهده کرد. او با ربط دادن پیروزی ممدانی به سالاروز ۱۳ آبان، نوشت: «پیام ۱۳ آبان به نیویورک رسید.» و سه شعار اصلی شهردار جدید را بر جسته کرد: «حمایت از آرمان فلسطین، عدالت‌خواهی و مبارزه با نژادپرستی.» «و نتیجه می‌گیرد که چنین افرادی، حکمرانان آینده کل آمریکا خواهند بود. این تحلیل، بیش از آنکه وشنگر باشد، گمراه کننده است و چند واقعیت‌بدیهی را نادیده می‌گیرد:

را بهبود بدهند، اما خود این ابزار به وسایلی برای سرگردانی تبدیل شده‌اند. سومین عنصر در داستان کافکا این است که او از خطا یا اشتباهی در هستنی صحبت می‌کند که باعث شده گراکوس شکارچی پس از مرگش به جهان دیگر نرود و بین وضعیت مرگ و زندگی معلق بماند، اما این خطا و اشتباه در داستان کاملاً مبهم باقی می‌ماند که چیست. کافکا در حقیقت بر این نکته تأکید دارد که دلایل به‌وجود آمدن شرایط حاضر چندان روشن و به راحتی فهم‌پذیر نیست. آنقدر عوامل گوناگون و دلایل متفاوت در ساخته شدن چنین شرایطی وجود دارد که علت ساخته شدن این وضعیت را در هاله‌ای از ابهام برده است. با شرایطی روبه‌رو هستیم که ابهام از ویژگی‌های اصلی آن است. آنچه باعث حس تعلیق و بی‌خانمانی مدام‌شده است را اما چگونه می‌توان از بین برد؟ می‌دانیم که کافکا هیچ‌گاه در آثارش راه حلی را پیش پا نمی‌گذارد. در تفسیرهای مرسوم از کافکا این خصلت او اینگونه فهمیده می‌شود که وی به خواندگانش توصیه می‌کند به‌جای اینکه در برابر وضعیت مقاومت کنند آن را به عنوان شرایطی محتوم بپذیرند. گرایش تفسیرها از کافکا این بوده است که او به ما می‌گوید که پیوجی حیات و شرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم را بپذیریم، و سعی کنیم با برخی تکنیک‌های زندگی با شرایط کنار بیاییم. این تفسیری مرسوم، روانشناختی و اگزیستانسیالیستی از کافکاست. نتیجه این دیدگاه این است که آدمی در برابر وضعیت تعلیقی که در برابر خود می‌بیند راهی ندارد. راهی نیست جز اینکه نظم حاکم بر زندگی و شرایط مسلط بر حیات را که شامل دولت و نظم جهانی است بپذیریم، قدرت دست اینهاست و کاری به‌واقع از ما بر نمی‌آید. در این میان تنها راهی که باقی می‌ماند این است که خود را با قدرت‌ها هماهنگ کنیم تا اجزاء دهند زندگی خود را به نوعی از سر بگذرانیم؛ آدمی راهی ندارد جز اینکه این وضعیت را به عنوان شکل تازه‌ای از بودن بپذیرد؛ سرگردانی و تعلیق را یک سفر ابدی درک کند؛ حالتی که همواره در آن مستغرق هستیم و راه فراری از آن نداریم. به‌نظر می‌رسد که این تفسیری تقلیل گرایانه از جهان کافکایی باشد؛ تفسیری هماهنگ و همراه با نظام‌های مسلط و سازوکارهای حاکم بر زندگی. آیا می‌توانیم جهان کافکایی را به‌گونه‌ای دیگر ادراک کنیم؟ کافکا مقاومت در برابر وضعیت را کنار نمی‌گذارد. مقاومت در برابر شرایطی که به درون آن پرتاب شده‌ایم، کاری است که خود کافکا آن را انجام می‌دهد: روایت وضعیت. کافکا با نوشتن از این شرایط، یعنی وضعیت خود و جهان در آستانه‌ی فاجعه -جهانی که همواره خودش را در آستانه‌ی آن تخیل می‌کند-، با نوشتن داستان آن و در واقع با روایت دقیق وضعیت در حال مقاومت است. سخن گویی و شرح دقیق وضعیت (از احساسات و تجربیات شخصی در خانه گرفته تا تفسیر شرایط جمعی) و به عبارتی صحبت کردن از تعلیق، ساختن توان در برابر این شرایط است؛ نوعی از توانمندسازی در برابر سرگردانی. از درون گفتن، روایت کردن و اندیشیدن جمعی نسبت به این وضعیت است که «امکان‌ها» و بالقوگی‌ها پدیدار می‌شوند. راه‌های پنهان، کشف‌نشده و جنگلی‌ای همواره وجود دارد که ما در تاریکی امروز نمی‌توانیم بباییم؛ اندیشیدن دست‌جمعی که از طریق «روایت» ممکن می‌شود، می‌تواند این امیدواری را ایجاد کند که راه‌هایی را برای درهم‌شکستن تعلیق و سرگردانی پیدا کنیم. به همین دلیل است که تا این حد در جایی مثل غزه، خبرنگاران یعنی روایان وضعیت، روایان شرایط تعلیق، روایان بودن در میانه‌ی مرگ و زندگی، شکار اسرئیل قرار می‌گیرند. آنها امکاناتی را برای درهم‌شکستن نظم مسلط فراهم کرده‌اند. روایت‌کنندگان وضعیت از آسیب‌دیدگان خوشونت گرفته تا روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان خطرناکند چون روایت کردن در بطن خود گشودن دروازه‌های مقاومت در برابر وضعیت است؛ مقاومتی که می‌تواند در نهایت این امکان و پتانسیل را ایجاد کند تا حیاتی سزاوارتر را برای جامعه و جهان‌مان‌سازیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

سوسیالیست مسلمان

درباره زهران ممدانی نامزد ۳۴ ساله دموکرات‌ها که به شهرداری نیویورک رسید



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

نامزد جریان سوسیالیست حزب دموکرات، در انتخابات شهرداری کلانشهر نیویورک پیروز شد. زهران ممدانی، مهاجری است که در خانواده‌ای با اصالت هندی و متعلق به مذهب شیعه به دنیا آمد، در اوگاندا بزرگ شد و در آمریکا زندگی کرد. او توانست با شکست اندرو کوموی دموکرات که به صورت مستقل و با حمایت ترامپ در انتخابات شرکت کرده بود و همچنین کورتیس اسلیوای جمهوری خواه بیش از ۵۰ درصد آرا را از آن خود کند و به عنوان شهردار منتخب نیویورک شناخته شود. او از ۱ ژانویه ۲۰۲۶، به عنوان صدوزدهمین شهردار نیویورک کار خود را آغاز می‌کند. نیویورک، بزرگ‌ترین شهر ایالتی به همین نام، پایتخت اقتصادی ایالات متحده آمریکا، شهری ساخته‌شده به وسیله مهاجران است که حدود هشت و نیم میلیون نفر جمعیت دارد و پر جمعیت‌ترین شهر این کشور است. ممدانی از ژانویه ۲۰۲۱ میلادی عضو مجلس ایالتی نیویورک است. از لحاظ سیاسی به جریان سوسیالیست حزب دموکرات تعلق دارد و همین تعلق فکری در کنار مسلمان و مهاجر بودنش کافی بود تا ترامپ تمام تلاش‌اش را به کار ببندد که جلوی شهردار شدن او در نیویورک را بگیرد. او نخستین مسلمان (شیعه) و نماینده نسل مهاجران جنوب آسیا و جوان‌ترین شهردار این شهر در بیش از یک قرن گذشته است که سکان بزرگ‌ترین شهر و قلب مالی آمریکا را به دست می‌گیرد. این انتخابات، نخستین انتخابات مهم پس از ورود ترامپ به کاخ سفید بود که دموکرات‌ها در آن پیروز شدند. دموکرات‌ها همچنین توانستند در انتخابات فرمانداری ویرجینیا و نیوجرسی به عنوان تنها ایالت‌هایی که امسال فرماندار جدید انتخاب می‌کنند، پیروز شوند. روز سه‌شنبه انتخابات ایالتی و محلی در ایالات مختلف آمریکا برگزار شد.

▼ مایک سلسله سیاسی را سرتگون کردیم

ممدانی پس از پیروزی در انتخابات، اولین سخنرانی خود به عنوان شهردار منتخب نیویورک را در سالن پارامونت بروکلین انجام داد. آن بی‌سی نیوز در گزارش این سخنرانی نوشت: ممدانی شهردار منتخب شهر نیویورک، روز سه‌شنبه پیروزی خود را به عنوان یک همپرسی در مورد سیاست‌های مربوط به اختلاف نسل‌ها جشن گرفت و پس از شکست دادن اندرو کومو و کورتیس سیلوا به عنوان اولین شهردار سوسیالیست دموکرات این شهر انتخاب شد. او گفت ما «ایک سلسله سیاسی را سرتگون کرده‌ایم». ممدانی در سخنرانی پیروزی خود از سالن پارامونت بروکلین گفت: «آینده در دستان ماست. برای اندرو کومو بهترین‌ها را در زندگی آرزو می‌کنم. اما بگذارید امشب آخرین باری باشد که نام او را بر زبان می‌آورم، زیرا در حال ورق زدن صفحه‌ای از سیاستی هستیم که بسیاری را راه‌های کندو فقط به تعداد کمی پاسخ می‌دهد. نیویورک، امشب، شما فرمان تغییر را صادر کرده‌اید.» ممدانی از دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا به عنوان «مستبد» یاد کرد که شهر، او را پاسخگو خواهد دانست. او گفت: «اگر راهی برای ترساندن یک مستبد وجود داشته باشد، آن راه از بین بردن همان شرایطی است که به او اجازه داده قدرت را به دست آورد. این تنها راهی است که ما ترامپ را متوقف می‌کنیم، بلکه راهی است که ما نفر بعدی را نیز متوقف می‌کنیم.» ممدانی از سخنرانی پیروزی‌اش در انتخابات برای برقراری ارتباط با همه گروه‌هایی استفاده کرد که تحت تأثیر کارزارهای انتخاباتی‌اش بوده‌اند و وعده داد که شهردار نیویورکی‌ها، صرف نظر از جنسیت، مذهب و قومیت آن‌ها شود. پیام اصلی ممدانی به ترامپ بود که در طول مبارزات انتخابات شهرداری نیویورک، او را «کمونیست» خوانده و تهدید کرده بود حداقل بودجه نیویورک را قطع خواهد کرد. شهردار مسلمان جدید نیویورک گفت: «دونالد ترامپ! چون می‌دانم که در حال تماشا هستی چهار کلمه برایت دارم: صداها(ی مخالف) را بلندتر بشنو. ماصاحبان خانه‌های بدرفتار را پاسخگو خواهیم کرد، زیرا خیال ترامپ‌های شهر ما در سوءاستفاده از مستاجران خود بیش از حد راحت شده است. ما به فرهنگ فساد پایان خواهیم داد. فرهنگی که به میلیاردرهایی همچون ترامپ اجازه داده از مالیات‌ها فرار کنند و از معافیت‌های مالیاتی بهره‌برداری کنند. مادر کنار اتحادیه‌ها خواهیم ایستاد و از

نشریه هیل، در گزارشی به موضوع پیروزی ممدانی پرداخت و پنج دلیل برای آن ذکر کرد. این رسانه آمریکایی نوشت: در حالی که اندرو کومو، رقیب زهران ممدانی کارزار انتخاباتی خود را بر مسئله امنیت و جنایت متمرکز کرده بود، زهران ممدانی مسئله هزینه‌هایی که ساکنان نیویورک متحمل می‌شوند را محور کارزار خود قرار داد و شعارهایی مانند «شهری که بتوانیم از پس هزینه‌های آن بر بیاییم» و «مسکن مقرون به‌صرفه برای همه» را در این کارزار استفاده کرد. کارزار انتخاباتی ممدانی از ابتدا دارای پیامی منسجم بود؛ یعنی دفاع از طبقه کارگر و راحت‌تر کردن زندگی این قشر. بر خلاف کارزارهایی که دموکرات‌ها پیشتر داشتند، او در خصوص اهداف و مواضعش پیچیده عمل نکرد؛ تا جایی که برخی از هواداران سابق دونالد ترامپ از کارزار وی به سبب روشن و واضح بودن آن حمایت کردند. اما علت رسوم پیروزی ممدانی این بود که اندرو کومو، رقیب وی تلاش کرد تا خود را به عنوان فردی که فرماندار نیویورک بوده و با هر‌های قدرت در سطوح محلی و ملی آشنایی دارد، جابزند؛ حتی به ممدانی نیز به دلیل نداشتن تجربه کار اجرایی خرده گرفت؛ اما ممدانی این مسئله را به عنوان نقطه قوت خود در نظر گرفت و خود را به عنوان چهره‌ای جدید که مخالف

گزارش یک

حقوق کارگران دفاع خواهیم کرد، چون می‌دانیم، همان‌طور که خود ترامپ هم می‌داند، وقتی کارگران، حقوقی محکم و تضمین شده دارند، آن‌هایی که می‌خواهند از آن‌ها سوءاستفاده کنند، بسیار کوچک‌وبی‌اثر می‌شوند.» ممدانی سپس خطاب به نیویورکی‌ها گفت: «نیویورک، تو شهری خواهی ماند برای مهاجران، شهری ساخته‌شده به دست مهاجران، و از امشب، رهبری شده توسط یک مهاجر.» او در پایان با هم سخانش را به سمت ترامپ هدف قرار داد و گفت: «رئیس جمهور ترامپ، پس بشنو، وقتی که می‌گویم برای رسیدن به هر یک از ما، باید از همه ما عبور کنی.»

▼ ترامپ: پیروز شد چون اسم من در برگه نبود

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دو واکنش به پیروزی ممدانی نشان داد. او یک پست در تروث‌سوشال منتشر کرد که در آن نوشته بود: «او اینگونه آغاز خواهد شد.» که بسیاری را با کلمه جنگ تکمیل خواهند کرد که اشاره‌ای به تهدیدات گذشته او در صورت پیروزی ممدانی بود. او همچنین در پست دیگری نوشت: «نبودن نام ترامپ روی برگه رأی و تعطیلی دولت، دلیل شکست جمهوری خواهان در انتخابات امشب بود.»

▼ چند واکنش متفاوت به پیروزی ممدانی

نتیجه انتخابات نیویورک، از لحاظ گوناگونی مورد توجه اهل رسانه و فعالان سیاسی قرار گرفت.

عمادالدین باقی، پژوهشگر حقوق بشر در این باره نوشت: «زُهران ممدانی، مسلمان شیعه هندی تبار سوسیال دموکرات، نامزد شهرداری نیویورک پایتخت مالی آمریکا شد و به‌رغم مخالفت‌ها و تهدیدهای ترامپ پیروز شد. این انتخابات از شگفتانه‌های انتخاباتی آمریکا بود و تصویری از روند رویدادهای آینده آمریکا را نشان می‌دهد. صرف‌نظر از انتخابات اقتضاح و بی‌ورق قبلی مجلس و شوراها در کشور خودمان و مشکلات اقتصادی و امنیتی حاصله، حالا ببینید در انتخابات شهرداری‌ها در ایران در اردیبهشت ۱۴۰۵ چه کسانی می‌توانند نامزد شوند و چه شیرین! کاری‌هایی خواهند کرد.»

احمد زیدآبادی، نویسنده و مشاور هم‌میهن نیز در واکنشی کوتاه اظهار داشت: «پدیده‌ای مثل پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک طیف‌های افراطی چپ‌گرا و مذهبی را دچار تناقضی لاینحل می‌کند. این طیف از نیروها نمی‌دانند که از پیروزی او باید ابراز خوشحالی کنند یا ناراحتی! اگر خوشحالی کنند، عملاً به ظرفیت دموکراسی آمریکایی اعتراف کرده‌اند و اگر از خود ناراحتی بروز دهند که در کنار ترامپ و راست‌های افراطی قرار می‌گیرند!» **محسن برهانی، وکیل و استاد حقوق دانشگاه تهران** خطاب به شورای نگهبان، با اشاره به ماجرای رد صلاحیت سپینتا نیکنام در انتخابات شورای شهر یزد نوشت: «ای کاش خبر پیروزی این شهردار به شورای نگهبان برسد و آن را با انتخابات شورای شهر یزد و انتخاب یک هم‌وطن زرتشتی مقایسه کنند.»

فواد ایزدی، استاد اصولگرای مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران نیز تئویت‌زد: «پیام ۱۳ آبان به نیویورک رسید. سه شعار اصلی زهران ممدانی، شهردار جدید نیویورک، در مقایسه با دیگر نامزدها: ۱- حمایت از آرمان فلسطین، ۲- عدالت‌خواهی، ۳- مبارزه با نژادپرستی در سیاست‌های داخلی و خارجی. افرادی که سه شعار بالا را بر جسته کنند حکمرانان آینده کل آمریکا خواهند بود.»

▼ این پیروزی یعنی دموکراسی وجود دارد

صادق زیباکلام، استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران به خبرنگار هم‌میهن گفت: «پیروزی زهران ممدانی اثبات وجود دموکراسی و ساختار دموکراتیک در آمریکاست. چه بخواهیم و چه نخواهیم، دوست داشته باشیم یا دوست نداشته باشیم، به‌رغم تمام تبلیغاتی که در تمام این سال‌ها کردیم و به تحلیل آن پرداختیم، یک مسلمان شیعه خارجی با اصالت هندی و متولد

چرا ممدانی پیروز شد؟

نظام سیاسی گذشته است، مطرح کرد. ممدانی تلاش کرد تا در هر جایی حضور یابد؛ از نشست‌های مطبوعاتی گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و حتی جشن‌های شبانه، به‌طور مثال او هفته گذشته یک کنفرانس مطبوعاتی برای اینفلوئنسرها و تولیدکنندگان محتوا در فضای مجازی گذاشت که بیش از ۳۱ هزار پخش زنده و تماشای ده‌ها میلیون نفر را به همراه داشت. او همچنین به‌صورت ناگهانی در یک کلاب شبانه در بروکلین حضور یافت و در آنجا به سخنرانی پرداخت. حتی در اقدامی غیرمتعارف، با آنکه وی کارزاری که ممدانی به راه انداخت، متکی بر انرژی موجود در چپ مترقی حزب دموکرات و با حمایت اتحادیه‌ها بود. با آنکه تحلیلگران می‌گویند نمونه ممدانی به‌طور مشخص مناسب نیویورک است، اما کارزار انتخاباتی او را از موفق‌ترین کارزارهای مترقی مدرن توصیف می‌کنند. براساس این گزارش، کارشناسان بر این باورند پیروزی ممدانی تنها پیروزی یک شخص نیست؛ بلکه نشانگر تغییر و تحولانی در درون سیاست پیشرو در آمریکاست؛ به‌طوری که مسائلی مانند مسکن آسان و هزینه‌های معیشتی بر تخصص سیاسی متعارف و چهره‌های قدیمی مانند اندرو کومو پیشتر است.